

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

-۱ Our tragedies and comedies [are] not without cause cried out against...

۱. تراژدی‌ها و کمدی‌های ما بدون دلیل به عنصر گریه در نمایشنامه می‌پردازند.
۲. بی دلیل نیست که تراژدی‌ها و نمایشنامه‌های ما به مضامین جنجال برانگیز روی می‌آورند.
۳. بدون علت نیست که تراژدی‌ها و کمدی‌های ما مورد انتقادهای شدیدالحن قرار می‌گیرند.
۴. بی سبب نیست که تراژدی‌ها و کمدی‌های ما مملو از فریادهای آزادیخواهانه است.

-۲ After many traverses she is got with child, delivered of a fair boy...

۱. پس از مشکلات و موانع بسیار باردار می‌شود، و پسری زیبا به دنیا می‌آورد.
۲. پس از آمد و شدهای فراوان طفل را به دست می‌آورد، پسری زیبا که به فرزند می‌پذیرد.
۳. پس از تقلاهای بسیار کودک را می‌گیرد، کودکی زیبا که بالاخره به او می‌بخشد.
۴. پس از مسافرت‌های بسیار دارای فرزند می‌شود، پسری زیبا که سرپرستی‌اش را به او می‌سپارد.

-۳ But yet she carried nothing with her wherein she trusted more than in herself, than in the charms and enchantments of her passing beauty and grace.

۱. اما گرچه هیچ چیز به همراه نداشت، به خود خویش، و طلسم و جادوی زیبایی و دل‌فریبندگی خویش ایمان داشت.
۲. اما نه تنها هیچ نداشت، بلکه به خود و طلسم و جادوی زیبایی و افسونگری‌اش نیز امیدوار نبود.
۳. اما، با این وجود، آنچه داشت را بیش از خویشتن خویش و افسون و جادوی زیبایی و دلربایندگی خویش باور داشت.
۴. اما با این حال هیچ از آنچه با خود داشت را بیش از خوشتن خویش، و افسون و جادوی زیبایی و طنزای خویش باور نداشت.

-۴ This is to admonish all young imps and novices in love not to blow the coals of fancy with desire, but to quench them with disdain.

۱. هدف، تذکر به تمام نابخردان جوان و تازه رهپویان راه عشق است که اگر آتش عشق را شعله‌ور نمی‌کنند، حد اقل آن را به سرمای نفرت خاموش نکنند.
۲. هدف، توصیه به تمام شیطان‌های جوان و نوآموزان عشق است که هیمة خیال را به خواهش شعله‌ور نسازند، بلکه آن را به نخوت خاموش گردانند.
۳. منظور، توصیه به تمام شیطان‌های جوان و نوگروندگان به عشق است که زغال‌های خیال را به خواهش برافروزند، و آن‌ها را به کبر خاموش نگردانند.
۴. و این نکوهش جوانان زشت خو و رویگردانندگان از عشق است که به جای آنکه آتش خیال را به شعله خواهش شعله‌ور سازند، آن را به خود بزرگ‌بینی خاموش می‌کنند.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

۵- Natural abilities are like natural plants, that need pruning by study.

۱. توانایی‌های طبیعی مانند گیاهان طبیعی هستند، که نیاز به اصلاحات از طریق دارند.
۲. توانایی‌های طبیعی مانند گیاهان طبیعی هستند. چرا که به هرس مطالعه نیاز دارند.
۳. توانایی‌های طبیعی مانند گیاهان طبیعی هستند، که به خاک حاصلخیز مطالعه نیاز دارند.
۴. توانایی‌های طبیعی مانند گیاهان طبیعی هستند، چرا که بدون مطالعه رشد نمی‌کنند.

۶- No man hath affliction enough that is not matured and ripened by it.

۱. هیچ انسانی بدون شکنجه و عذاب رشد و کمال نیافته است.
۲. مرد نیست که مصیبت دیده باشد و به واسطه آن بالغ و عاقل نشده باشد.
۳. هیچ انسانی را مصیبت بس نشاید مگر اینکه به لطف آن کمال و پختگی حاصل آورده باشد.
۴. مردی که بالغ و کامل شده باشد از ابتلا به مصیبت‌ها پروایی نخواهد داشت.

۷- He can command tears, when he speaks of his youth; indeed because it is past, not because it was sinful.

۱. هنگامی که از ایام جوانی خود می‌گوید، می‌تواند اشک‌ها فرو ریزد؛ در حقیقت نه از آن رو که گناه‌آلود بوده، بلکه به این خاطر که گذشته است.
۲. آن زمان که از جوانی خود می‌گوید، می‌تواند اشک‌ها جاری کند؛ در واقع آن ایام گذشته، و تباهی‌ها به جا مانده بود.
۳. هنگامی که ایام جوانی خود می‌گوید، گریه آغاز می‌کند؛ در حقیقت نه از آن رو که گذشته است، بلکه به این خاطر که گناه‌آلود بوده است.
۴. چون از جوانی خود سخن به میان می‌آورد، می‌تواند بر اشک‌ها فرمان دهد؛ که جوانی‌اش گناه‌آلود بود، و به گناه از دست شده.

۸- Competition maketh men to invade for gain; diffidence, for safety; and glory, for reputation.

۱. رقابت مردها را متجاوز می‌کند، بی‌اعتمادی، آسایش طلب، و عظمت، شهرت طلب.
۲. رقابت باعث می‌شود مردها به حقوق دیگران تجاوز کنند؛ بی‌انگیزگی باعث می‌شود رفاه طلب شوند؛ و شکوه باعث می‌شود شهرت طلب.
۳. رقابت انسانها را نزاع طلب می‌کند؛ رخوت، امنیت طلب؛ و عظمت، شهرت طلب.
۴. رقابت انسان‌ها را بر آن می‌دارد به خاطر زیاده‌خواهی نزاع کنند؛ بی‌اعتمادی، به خاطر آسایش؛ و شوکت، به خاطر شهرت.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

9- Now the monster was hideous to behold; he was clothed with scales, he had wings like a dragon, feet like a bear.

1. نگاه هیولا وحشت برانگیز بود؛ پوششی از فلس داشت، بالهایی مانند اژدها، پاهایی مانند خرس
2. دیدن هیولا وحشتناک بود، پوششی از فلس داشت، بالهایی مانند اژدها، پاهایی مانند خرس
3. هیولا وحشتناک به نظر میرسید؛ لباسی از صدف به تن داشت، بالهایی مانند سنجاقک، پاهایی مانند خرس
4. نگهداری هیولا چندان آسان بود؛ پوششی از فلس داشت، بالهایی مانند اژدها، و پاهایی مانند خرس

10- Truly it were an excusable covetousness if we did, for affliction is a treasure, and scarce any man hath enough of it.

1. اگر چنین کنیم، بدون تردید چنین آزمندی بخشودنی خواهد بود، زیرا رنج گنج است، و کمتر کسی است که گنج او را بس باشد
2. حقیقتاً اگر چنین می‌کردیم، ما را طمع پسندیده می‌نمود، زیرا ثروت اندوزی سیه روزی است، و کمتر کسی است که بدان مبتلا نباشد
3. چنین کرده‌ای خطایی بخشودنی خواهد بود، زیرا گنج رنج است، و هیچ کس نیست که تاوان آن نپرداخته باشد
4. بدون شک اگر چنین می‌کردیم، خطایی بخشودنی می‌بود، که هر کسی را خواهش زراندوزی هست، و به ندرت کس توان یافت که او را از آن گریز تواند بود

11- It would, methinks, become all men to maintain peace and the common offices of humanity and friendship in the diversity of opinions.

1. من بر این باورم که زینده است تمام انسانها را، در میان گوناگونی آرا، آرامش و وظایف همگانی انسان بودن و دوستی را پاس داشتن
2. مرا بر این عقیده داشته‌اند که تمام بزرگمردان، در میان گوناگونی آرا، صلح و صفا و اصول مشترک بشریت و دوستی را پاس داشته‌اند
3. مرا این نگرش آموخته‌اند که چون جوانمردی جویی، از گوناگونی‌های آرا دوری گزین، و بر حفظ اصول مشترک انسانیت و دوستی کوشا باش
4. مرا باور این است که مردانه شدن آن است که در میان گوناگونی آرا، آرامش و وظایف همگانی انسانیت و دوستی را به تمام پاس داریم

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

12-The necessity of believing without knowledge, often upon very slight grounds, should make us more busy and careful to inform ourselves than constrain others.

1. ناگزیر بودن باور بدون دانش، چه بسا بر پایه های بسیار اندک، باید ما را بیشتر گرفتار و نگران خودآگاهی دهی کند، تا استیلا یابی بر دیگران
2. نیاز به باور بدون دانش، آن هم اغلب در سرزمینهای بسیار کوچک، ما را نه درگیر و نگران آگاهی یابی، بلکه چاره اندیشی چگونه بر دیگران حکم راندن می کند
3. ضرورت بدون دانش پذیرفتن، آن هم اغلب در قلمروهای بسیار نادر، ما را درگیر و نگران آگاهی دادن به دیگران می کند، و نه به استیلا ی بر دیگران اندیشیدن
4. ضرورت باور آفرینی بدون علم، آن هم اغلب بر پایه های بسیار نادرست، ما را بیشتر درگیر محدود کردن دیگران می کند تا آگاهی دادن به خود

13-As soon as the sermon is finished, nobody presumes to stir till Sir Roger is gone out of the church.

1. هیچکس پس از اینکه خطابه تمام شده، تصور حرکت کردن را هم نمی کند، مگر اینکه سر راجر از کلیسا بیرون رفته باشد
2. بلافاصله پس از اتمام خطابه، همه از جای بلند شده، و بی حرکت می مانند تا سر راجر از کلیسا بیرون رود
3. هیچ کس تا زمانی که سر راجر خطابه را تمام نکرده، و از کلیسا بیرون نرفته باشد، به خود اجازه تکان خوردن نمیدهد
4. هیچ کس پس از اتمام خطابه، تا زمانی که سر راجر از کلیسا بیرون نرفته باشد، از جای خود تکان نمی خورد

14-The day now drew near when our great man was to exemplify the last and noblest act of greatness by which any hero can signalize himself.

1. اکنون بزرگمرد ما به روزی نزدیک می شد که باید آخرین و بلندآوازه ترین کار خویش را با ذکر مثال روشن می کرد، کاری که هر قهرمانی با آن خود را نشان دار می کند
2. حال آن روز فرا می رسید که بزرگمرد ما باید آخرین و شرافتمندترین کار بزرگی که به انجام آن هر قهرمانی می تواند خود را برجسته سازد را به نمایش می گذاشت
3. اکنون بزرگمرد ما در آستانه روزی بود که باید آخرین نمونه بارز و برجسته کار خویش را به نمایش می گذارد، کاری که کمتر قهرمانی می تواند به آن ببالد
4. امروز همان روزی بود که بزرگمرد ما در انتظارش بود، روزی که در آن خود را به شاهکار زندگی خویش مثال زدنی می کرد، و با آن در میان قهرمانان ابراز وجود می کرد

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

15- It will not easily be imagined how much Shakespeare excels in accomodating his sentiments to real life but by comparing him with other authors.

۱. نمی توان به سادگی تصور کرد که شکسپیر از طریق مقایسه خود با نویسندگان دیگر، سرآمد آنان در بیان احساسات خود در زندگی واقعی شده است
۲. نمی توان صرفاً اینگونه فرض کرد که فقط از طریق مقایسه شکسپیر با نویسندگان دیگر می توان گفت او تا چه حد در منطبق کردن احساسات خود با زندگی واقعی سرآمد دیگران است
۳. نمی توان ساده انگارانه تصور کرد که شکسپیر در بیان احساسات خود در زندگی واقعی سرآمد دیگران است، بلکه باید او را با دیگر نویسندگان مقایسه کرد
۴. نمی توان به آسانی تصور کرد که شکسپیر تا چه حد در سازگار کردن دیدگاه های خود با زندگی واقعی سرآمد است، مگر از طریق مقایسه وی با دیگر نویسندگان

16- For, except the loss of my limb, and my being obliged to beg, I don't know any reason, thank Heaven, that I have to complain.

۱. زیرا با از دست دادن عضو خود، و ناچار به درپوزه بودن، شکر خدای، دیگر دلیلی برای شکایت نمی یابم
۲. زیرا، شکر خدای، آن هنگام می توانستم دلیلی برای شکایت نداشته باشم، که عضو خود از دست نمی دادم، و به درپوزگی نمی افتادم
۳. زیرا، به جز از دست دادن عضو خود، و ناچار به گدایی شدن، شکر خدای، هیچ دلیلی برای شکایت نمی بینم
۴. زیرا این از لطف خداست که باید عضو خود از دست می دادم، به درپوزگی می افتادم، و دلیلی نیز برای شکایت ندانم

17- Every man is a piece of the continent, a part of the main.

۱. هر مردی تکه ای است از میهن، قسمتی از سرزمین
۲. هر مردی تکه ای است از قاره، قسمتی از میهن
۳. هر انسانی پاره ای است از قاره، جزئی است از کل
۴. هر انسانی قطعه ای است از کشور، جزئی است از سر

18- Every occurrent draws in a story to his own praise.

۱. هر داستانی رویدادی است که در ستایش خود می گوید
۲. هر تکراری همانا جز داستانی در ستایش خود وی نیست
۳. هر تکراری داستانی است در ستایش خود وی
۴. هر رویدادی حکایتی در ستایش خود وی به میان می آورد

19- I know Curio to be true to the crown, and heir apparent to his kingdom.

۱. من می دانم کیورو وفادار به تاج و تخت، و وارث قانونی سلطنت است
۲. من می دانم کیورو حقیقتاً تاجدار است و وارث قانونی سلطنت
۳. من می دانم کیورو پادشاه راستین است، و سلطنت از آن او است
۴. من می دانم پادشاهی کیورو حقیقت دارد، و او است که زمامدار امور است

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

20-To spend too much time in studies is sloth; to use them too much for ornament is affectation.

1. بسیار مطالعه کردن دانش اندوزی است؛ بسیار بکارگیری آنها برای زیبایی، هنرمندی
2. بیش از حد مطالعه کردن نادانی است؛ بکارگیری زیاد آنها برای آرایه، تهییج احساسات
3. بسیار مطالعه کردن کسالت آور است؛ بسیار استفاده از آنها برای زیبایی، احساسی
4. مطالعات از حد گذراندن کاهلی است؛ بیش از حد بکارگیری آنها برای آرایه، تفاخر

۲۱- His hand shall bind up all our scattered leaves again for that library where every book shall lie open to one another.

۱. دست وی تمام برگهای ما را برای کتابخانه ای که در آن تمام کتابها ورق ورق گشوده خواهند بود، گردآوری خواهد کرد.
۲. دست وی است برگهای جدا افتاده ما را دوباره سامان خواهد داد و در کتابخانه ای که تمام کتابهایش به هم دروغ می گویند، جای خواهد داد.
۳. دست او پاره پاره کاغذهای ما را دوباره گردآوری خواهد کرد، و پس از صحافی، در گنجینه های کتابخانه اش جای خواهد داد.
۴. دست وی تمام برگهای پراکنده ما را دوباره برای آن کتابخانه ای که در آن تمام کتابهایش به روی همدیگر گشوده خواهند بود، صحافی خواهد کرد.

۲۲- اسبها بی درنگ حرکت کردند، و قهرمان ما در میان تشویق و تحسین همگان تاب خوران دنیا را ترک گفت

1. Immediately the horses stepped forward, and with general applause our hero flew out of this world.

2. Immediately the horses ran away, and through the cheering crowd, our hero struggled out of this life.

3. Immediately the horses moved on, and with universal applause our hero swung out of this world.

4. Immediately the horses vanished, and our hero, among the hootings of the crowd eased out of this world.

۲۳- گر چه ممکن است خنده با شوق همراه آید، اما از شوق بر نمی آید، نه آن سان که گویی شوق برآورنده خنده است.

1. Though laughter may come of delight, yet cometh it not with delight, though delight should be the cause of laughter.

2. Though laughter may come with delight, yet cometh it not of delight, as though delight should be the cause of laughter.

3. Though delight may come with laughter, yet cometh it not of laughter, as though delight should be the cause of laughter.

4. Though laughter may come with delight, yet cometh it not of delight, as though laughter should be the cause of delight.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

۲۴- کلتوپاترا بذله‌گویی‌ها و جهت‌گیری‌های آنتونیوس را دور از نزاکت، و سربازگونه، بی‌آلایش یافت.

۱. Cleopatra found Antonius's jests and slents to be but gross, and soldier-like, in plain manner.

۲. Cleopatra found Antonius funny, and his remarks bold, and soldier-like, impolite.

۳. Cleopatra found Antonius's fun and remarks bold, and soldier-like, on the defence.

۴. Cleopatra found Antonius's humour and manners to be but gross, and common, undisciplined.

۲۵- نمی‌توان تصور کرد چه مشکلاتی را بی‌مقدارترین ملوانان و سربازان عادی ما بدون ابراز کمترین شکایت یا افسوس تحمل می‌کنند.

۱. It is unbelievable how easily the meanest of our common sailors and soldiers endure difficulties without complaint.

۲. It is not understandable why our common sailors and soldiers should endure so many difficulties without any complaint or regret.

۳. It is inconceivable what difficulties the meanest of our common sailors and soldiers endure without murmuring or regret.

۴. It is incredible that so many difficulties the lowest of our common sailors and soldiers enjoy without murmuring or regret.

26-The earth bringeth forth as well endive to delight the people as hemlock to endanger the patient.

۱. زمین کاسنی را برای نشاط مردم به وجود می‌آورد و شوکران را برای از بین بردن بیمار
۲. زمین کاسنی را برای التیام آلام مردم به وجود می‌آورد و شوکران را برای به مخاطره انداختن بینوایان
۳. زمین هم کاسنی را برای نشاط مردمان به وجود می‌آورد و هم شوکران را برای به مخاطره انداختن جان بیمار
۴. زمین به همان اندازه کاسنی برای درمان افسردگی مردم به وجود می‌آورد که شوکران را برای به مخاطره انداختن جان بیمار

27-He is the stranger's saint; the neighbor's disease; an angel abroad, a devil at home; and worse when an angel than when a devil.

۱. او الهه خوبی است برای غریبه‌ها، درد بی‌درمان همسایه؛ فرشته‌ای در بیرون و شری در خانه؛ و چه بسا بدتر هنگامی که شر تا وقتی که شیطان
۲. او قدیس غریبه‌ها است؛ ناخوشی همسایه؛ فرشته‌ای در بیرون، شیطانی در خانه؛ و بدتر آن هنگام که فرشته تا آن هنگام که شیطان
۳. او لکه ننگ غریبه‌ها است؛ ناخوشی همسایه‌ها؛ فرشته‌ای در خارج؛ شیطانی در میهن؛ و پلیدتر آن هنگام که فرشته تا آن هنگام که شیطان
۴. او مظهر خوبی برای غریبه‌ها است؛ موجب بیماری همسایه‌ها؛ فرشته‌ای خارج از کشور، شیطانی در خانه؛ و بدتر آن هنگام که شیطان تا آن هنگام که فرشته

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۵ تشریحی: ۳۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۴

28- And therefore if two men desire the same thing, which nevertheless they cannot both enjoy, they become enemies.

1. و بنابراین اگر دو مرد یک خواهش داشته باشند و با این وجود نتوانند هر دو از آن لذت ببرند، دشمن می شوند
2. و بنابراین اگر دو نفر خواستار یک فرد باشند، اما هر دو نتوانند به آن دست یازند، دشمن می شوند
3. و بنابراین اگر دو کس یک چیز را بخواهند، که با این وجود نتوانند هر دو از آن بهره‌مند شوند، دشمن می شوند
4. و بنابراین اگر دو نفر یک چیز بخواهند، اما هر دو از آن به یک اندازه برخوردار نشوند، دشمن می شوند

29- I count the Prince under whose banner now I stand is able to absolve me.

1. من بر این باورم که پادشاهی که زیر پرچم او ایستاده‌ام می‌تواند مرا عفو کند
2. پادشاهانی که زیر پرچم آن‌ها خدمت کرده و می‌کنم می‌توانند مرا شفاعت کنند
3. پادشاهی را که برمی‌شمرم و زیر پرچم او خدمت می‌کنم می‌تواند مرا از پلیدی‌ها پاک گرداند
4. پادشاهی را که زیر لوای او خدمت می‌گزارم بر نجات خود توانا می‌بینم

30- We should do well to commiserate our mutual ignorance.

1. درست این است که برای نابخردی متقابل یکدیگر متاسف باشیم
2. ما باید تلاش کنیم نگران جهالت‌های نابخردانه یکدیگر باشیم
3. رفتار شایسته این است که نادانی‌های دوجانبه یکدیگر را به یاد داشته باشیم
4. شاید بهتر آن باشد که خاطره نابخردی‌های گذشته را از یاد ببریم

سوالات تشریحی

31- Her voice and words were marvellous pleasant, for her tongue was an instrument of music to divers sports and pastimes.

نمره ۱.۴۰

32- Studies serve for delight, for ornament, and for ability. Their chief use for delight is in privateness and retiring; for ornament, is in discourse; and for ability, is in judgment and disposition of business.

نمره ۱.۴۰

33- Another man may be sick too, and sick to death, and this affliction may lie in his bowels, as gold in a mine, and be of no use to him.

نمره ۱.۴۰

34- The difference between man and man is not so considerable as that one man can thereupon claim to himself any benefit, to which another man may not pretend as well as he.

نمره ۱.۴۰

35- Instead of showing any marks of dejection or contrition, he rather infused more confidence and assurance into his looks.

نمره ۱.۴۰